

فهرست منابع و مآخذ

- آقسرائبی، محمد بن محمد: مسامرة الاخبار و مسایرة الاخیار. به اهتمام و تصحیح دکتر عثمان توران. آنقره، ۱۹۴۳
- آکینر، شیرین: اقوام مسلمان اتحاد جماهیر شوروی. ترجمه علی خزاعی فر. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد، ۱۳۶۶
- ابن اثیر. ابی الحسن علی بن ابی الکرم، ملقب به عزالدین: الکامل فی التاریخ. ج ۱ - ۸ به تصحیح شیخ عبدالوهاب النجار. قاهره، ۱۳۵۷ هـ. ق
- ابن اثیر. ابی الحسن علی بن ابی الکرم، ملقب به عزالدین: اللباب فی تهذیب الانساب. ج ۱ - ۲. بغداد، بی تاریخ
- ابن اسفندیار کاتب، بهاء الدین محمد بن حسن: تاریخ طبرستان. به تصحیح عباس اقبال. کلاله خاور. تهران، ۱۳۲۰
- ابن بطوطه: سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه دکتر محمد علی موحد. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران، ۱۳۳۷
- ابن بی بی: سلجوقنامه. ر. ک ← مشکور، محمد جواد: اخبار سلاجقه روم
- ابن حوقل: صورت الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار. بنیاد فرهنگ ایران. تهران، ۱۳۴۵
- ابن خلف تبریزی، محمد حسین... متخلص به برهان: برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین ج ۱ - ۵. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۲
- ابن رسته، ابو علی محمد بن عمر: الاعلاق النفیس. ترجمه دکتر حسین قره چانلو. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۵

- ابن العدیم، کمال الدین ابوالقاسم عمر: بُغیة الطَّلَب فی تاریخ حلب. عنی بنشره وعلّق علیه: الدّکتور علی سویم. آنقره، ۱۹۷۶
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا: تاریخ فخری. ترجمه محمد وحید گلپایگانی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران، ۱۳۵۰
- ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی: تاریخ بیهق. با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار. کتابفروشی فروغی. تهران. بی تاریخ
- ابن کثیر، ابوالفداء حافظ: البداية والنهاية. ج ۱۳ و ۱۴، بیروت، ۱۹۶۶
- ابن منظور: لسان العرب. تصحیح عبدالله العلامی، یوسف خیطاط، ندیم مرعشی، بیروت، ۱۹۷۰
- ابوالغازی بهادرخان: شجرة تراکمه. تصحیح کونونوف. مسکو - لنینگراد، ۱۹۵۸
- ابوالقاسمی، دکتر محسن: در باره زبان آسی. بنیاد فرهنگ ایران. تهران، ۱۳۴۸
- ابی الفداء، عمادالدین اسمعیل: المختصر فی اخبار البشر، ج ۳ - ۴. مصر، ۱۳۲۵ هـ.
- اسدی طوسی، ابومنصور احمد بن علی: لغت فرس. تصحیح و تحشیة فتح الله مجتبایی - علی اشرف صادقی. انتشارات خوارزمی. تهران، ۱۳۶۵
- اشپولر، برتولد: تاریخ مغول در ایران. ترجمه محمود میر آفتاب. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، ۱۳۶۵
- اقبال، عباس: تاریخ مغول. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۵
- بارتولد، و. و. ترکستان نامه. ترجمه کریم کشاورز. بنیاد فرهنگ ایران. تهران، ۱۳۵۲
- باقری، م: فرهنگ کامل آلمانی - فارسی. تهران، ۱۳۶۶
- بلیاوی، ابوالفضل مولانا عبدالحفیظ: مصباح اللغات (فرهنگ عربی - اردو) کراچی، ۱۹۸۱
- بناکتی، داود: روضة اولی الالباب فی معرفة التواریخ والانساب، (تاریخ بناکتی). به کوشش دکتر جعفر شعار. انجمن آثار ملی. تهران، ۱۳۴۸
- بهروز، دکتر اکبر: تاریخ ادبیات عرب. انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۵۹
- بیرشک، احمد: گاهنامه تطبیقی سه هزار ساله. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، ۱۳۶۷
- بیهقی، ابوالفضل: تاریخ بیهقی. تصحیح دکتر علی اکبر فیاض. دانشگاه فردوسی. مشهد، ۱۳۵۶
- تاج الاسامی. تصحیح علی اوسط ابراهیمی. مرکز نشر دانشگاهی. تهران، ۱۳۶۷
- تاریخ ایران کیمبریج (ج ۵). گردآورنده: ج. آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۶

- تاریخ سیستان. به تصحیح ملک الشعراى بهار. به همت محمد رمضانى. تهران، ۱۳۱۴
- تقى زاده، سيد حسن: مقالات تقى زاده. ج ۹ و ۱۰، تهران، ۱۳۵۶ - ۱۳۵۷
- جرفاذقانى، ابوالشرف ناصح بن ظفر: ترجمه تاريخ يمينى. تصحيح دكتور جعفر شعار. بنگاه ترجمه و نشر كتاب. تهران، ۱۳۴۵
- جلال الدين محمد بلخى، مولانا: مثنوى. ۱ - ۶. تصحيح و شرح دكتور محمد استعلامى. انتشارات زوار. تهران، ۱۳۶۹
- جمال الدين ابوالقاسم عبدالله بن على بن محمد كاشانى: زبدة التواريخ. به كوشش محمد تقى دانش پژوه. مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى. تهران. ۱۳۶۶
- جمال الدين حسين ابن فخرالدين حسن انجو شيرازى: فرهنگ جهانگيرى. ويراسته دكتور رحيم عفيفى. دانشگاه فردوسى. مشهد. ۱۳۵۹
- جوينى، عطا ملك علاء الدين بن بهاء الدين: تاريخ جهانگشاى جوينى (ج ۱ - ۳). تصحيح محمّد قزوینى. تهران، ۱۳۶۷
- حدود العالم. به كوشش دكتور منوچهر ستوده. انتشارات دانشگاه تهران. تهران، ۱۳۶۲
- حييم، سليمان: فرهنگ انگليسى - فارسى. تهران، ۱۳۶۸
- حافظ ابرو: جغرايى حافظ ابرو (قسمت ريع خراسان - هرات) به كوشش ماييل هروى. بنياد فرهنگ ايران. تهران، ۱۳۴۹
- حافظ ابرو: ذيل جامع التواريخ. تصحيح خانبايا بيانى. شركت تضامنى علمى. تهران، ۱۳۱۷
- خاقانى: افضل الدين بديل بن على نجار: ديوان. تصحيح دكتور ضياء الدين سجّادى. انتشارات زوار. تهران، ۱۳۳۸
- الخطيب البغدادى، الحافظ ابى بكر احمد بن على: تاريخ بغداد. ج ۱. مصر، ۱۹۳۱
- دائرة المعارف الاسلاميه. ج ۱ - ۱۵، يصدرها باللغة العربيه: محمد ثابت افندى، ابراهيم زكى خورشيد، عبدالحميد يونس. قاهره، ۱۹۳۳
- دائرة المعارف فارسى. به سرپرستى دكتور غلامحسين مصاحب. ج ۱. تهران، ۱۳۴۵
- داستانهاى بيدپاى. ترجمه عبدالله البخارى، تصحيح: محمد روشن. انتشارات خوارزمى. تهران، ۱۳۶۱
- دولتشاه سمرقندى، امير: تذكرة الشعرا. تهران، ۱۳۶۱
- دينورى، ابو حنيفه احمد بن داود: اخبار الطوال. ترجمه دكتور محمود مهدوى دامغانى. تهران. نشر نى. ۱۳۶۸
- الذهبي، الحافظ شمس الدين: دول الاسلام. تصحيح فاهيم محمد شلتوت، محمد مصطفى ابراهيم. قاهره، ۱۹۷۴

- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان: راحة الصدور وآية السرور در تاریخ سلجوق. به سعی و تصحیح: محمد اقبال. با تصحیحات لازم توسط مجتبی مینوی. کتابفروشی تأیید اصفهان - مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر. تهران، ۱۳۳۳
- راینو، ه. ل: مازندران و استراباد. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران، ۱۳۳۶
- رشیدالدین فضل الله، خواجه: جامع التواریخ (قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و نزاریان و داعیان و رفیقان) به اهتمام محمد مدرسی زنجانی و محمد تقی دانش پڑوه. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران، ۱۳۵۶
- رشیدالدین فضل الله، خواجه: جامع التواریخ. ۱ - ۳. تصحیح ایلیا نیکلایویچ برزین، پطرزبورغ. ۱۸۶۱ - ۱۸۸۸
- رشیدالدین فضل الله، خواجه: (تاریخ مبارک غازانی). تصحیح ادگار بلوشه. لیدن (هلند)، ۱۹۱۱
- رشیدالدین فضل الله، خواجه: جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازانی) ج ۳. تصحیح عبدالکریم علی اوغلی، عزیزاده. باکو، ۱۹۵۷
- رشیدالدین فضل الله، خواجه: جامع التواریخ (تاریخ مبارک غازانی). تصحیح کارل یان. هرتفورد (انگلستان)، ۱۹۴۰
- رشیدالدین فضل الله، خواجه: جامع التواریخ. جزو اول از جلد اول. به سعی و اهتمام: آ. آ. روماسکوویچ، ل. آ. ختاقوروف و ع. ع. عزیزاده. مسکو، ۱۹۶۵
- رشیدالدین فضل الله، خواجه: جامع التواریخ. نشر بهمن. میرزا کریمی. تهران، ۱۳۱۳
- رشیدالدین فضل الله، خواجه: شعب انبیا و خلفا و... - نسخه خطی - (کتابخانه احمد ثالث، استانبول. شماره ۲۹۳۵) که در واقع بخشی از جامع التواریخ و شجره نامه آن است. این کتاب در فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱، در ذیل: معز الانساب، معرفی شده است.
- رشیدو، پی. نن: سقوط بغداد و حکمروایی مغولان در عراق. ترجمه دکتر اسدالله آزاد. انتشارات آستان قدس رضوی. مشهد، ۱۳۶۸
- رضا، دکتر عنایت الله: ایران و ترکان در روزگار ساسانیان. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، ۱۳۶۵
- الرمزی، م. م.: تلفیق الاخبار و تلخیص الآثار فی تاریخ قران و بلغار و ملوک التار. تهران، ۱۳۵۵
- زرکلی، خیرالدین: الاعلام. قاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء... ج ۳. قاهره و بیروت، ۱۹۶۹
- زمخشری، محمد بن عمر: مقدمة الادب بالخوارزمیه. نشر احمد زکی ولیدی طغان. استانبول، ۱۹۵۱

- ساندرز، ج. ج: تاریخ فتوحات مغول. ترجمه ابوالقاسم حالت. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۳
- سعید الخوری الشرتونی اللبنانی: اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد. ثلاث مجلدات. منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفی. قم، ۱۴۰۳
- سفی هروی: تاریخ نامه هرات. تصحیح ز. صدیقی. کلکته، ۱۹۴۴
- شامی، نظام الدین: ظفرنامه. تصحیح فلیکس تاؤر. چاپ افست. تهران، ۱۳۶۳
- شبانکاره ای، محمد علی بن محمد: مجمع الاساب. تصحیح میر هاشم محدث. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۳
- شهاب الدین محمد خرنند زی زید ری نسوی: سیرت جلال الدین مینکبری. تصحیح مجتبی مینوی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران، ۱۳۴۴
- طبرسی، ابو علی فضل: مجمع البیان. تحشیه ابوالحسن شعرانی، نشر اسلامیه تهران. ؟
- طبری، محمد بن جریر: تاریخنامه. ۱ - ۳. تصحیح و تحشیه محمد روشن. نشر نو. تهران، ۱۳۶۶
- طبری، محمد بن جریر: تفسیر طبری. ج ۱۷. قاهره، ۱۹۵۴
- عباسی، م: فرهنگ جامع آلمانی به فارسی. تهران، ۱۳۶۴
- عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر: قابوسنامه. به اهتمام و تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، ۱۳۶۸
- غیاث الدین محمد بن جلال الدین رامپوری: غیاث اللغات. بکوشش منصور ثروت. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۳
- فروهشی، دکتر بهرام: فرهنگ زبان پهلوی. انتشارات دانشگاه تهران. تهران، ۱۳۵۸
- فخر رازی، امام: تفسیر کبیر. ج ۵. شرکت صحافیة عثمانیه، مصر. بی تاریخ.
- قریب، مهدی و مداینی مهدی: داستان سیاوش. ج ۲. واژه نامه. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران، ۱۳۶۹
- قزوینی، علامه محمد: یادداشت های قزوینی. بکوشش ایرج افشار. ج ۱-۱۰، چاپ سوم، بی تاریخ.
- قفس اوغلو، دکتر ابراهیم: تاریخ دولت خوارزمشاهیان. ترجمه دکتر داود اصفهانیان. نشر گستره. تهران، ۱۳۶۷
- القلقشنندی، ابی العباس احمد: صبح الاعشی. ج ۴ - ۵. قاهره، ۱۳۳۱ ه. ق
- کاشغری، محمود: دیوان لغات الترك. (چاپ عکسی). آنقره، ۱۹۴۱
- کتاب مقدس، (عهد عتیق). تهران، ۱۹۸۷

- کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی: مطلع السعدین. بخش اول. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی. کتابخانه طهوری. تهران، ۱۳۵۳
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود: زین الاخبار. (تاریخ گردیزی). تصحیح عبدالحی حبیبی. دنیای کتاب. تهران، ۱۳۶۳
- گروسه، رنه: امپراتوری صحرانوردان. ترجمه عبدالحسین میکده. تهران، ۱۳۶۵
- لغتنامه دهخدا. تهران.
- لسترنج، گای: جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان. تهران، ۱۳۶۷
- مجد خوانی: مجمل فصیحی. ج ۲. تصحیح محمود فرخ. مشهد، ۱۳۴۱
- مجلد التواریخ والقصص. تصحیح ملک الشعراء بهار. به همت محمد رمضان. کلاله خاور. تهران، ۱۳۱۸
- محمد مهدی خان، میرزا: فرهنگ سنگلاخ. (خطی، کتابخانه مجلس. شماره ۸۶۰)
- محمد بن زین العابدین خراسانی فدائی: هدایة المومنین الطالبین (تاریخ اسماعیلیه). تصحیح الکساندر سیمونوف. انتشارات اساطیر. تهران، ۱۳۶۲
- مرآة البلدان. ج ۱ - ۳. منسوب به محمد حسن خان اعتماد السلطنه. به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. انتشارات دانشگاه تهران. تهران، ۱۳۶۷
- مرتضوی، دکتر منوچهر: مسائل عصر ایلخانان. تبریز، ۱۳۵۸
- مستوفی، حمد: تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوایی. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۶۴
- نزهة القلوب. تصحیح گای لیسترانج. اُفت دنیای کتاب. تهران، ۱۳۶۲
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین: مروج الذهب. ترجمه ابوالقاسم پاینده. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، ۱۳۶۵
- مشکور، محمد جواد: اخبار سلاجقه روم. تبریز - تهران، ۱۳۵۰
- مطلع الشمس. منسوب به محمد حسن خان اعتماد السلطنه. تهران، ۱۳۶۲
- معز الانساب فی شجرة الانساب. مؤلف ناشناخته. تالیف شده به سال ۸۳۰ ه. ق - نسخه خطی. (کتابخانه ملی پاریس. شماره 67 p)
- معین، دکتر محمد: فرهنگ فارسی. ۱ - ۶. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۵۳
- مقدسی، ابو عبد الله محمد بن احمد: احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه دکتر علی نقی منزوی. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران. تهران، ۱۳۶۱
- منهاج سراج جوزجانی: طبقات ناصری. ج ۱ و ۲. به تصحیح عبدالحی حبیبی. دنیای کتاب. تهران، ۱۳۶۳

- میبیدی، ابوالفضل: کشف الاسرار و عذّة الابرار. تصحیح چند تن از فضلا زیر نظر علی اصغر حکمت. انتشارات امیرکبیر. تهران، ۱۳۳۹
- مینوی، مجتبی: تاریخ و فرهنگ. انتشارات خوارزمی. تهران، ۱۳۵۶
- مینوی، مجتبی: نقد حال. انتشارات خوارزمی. تهران، ۱۳۵۸
- ناصرخسرو: سفرنامه. تصحیح دکتر محمد دبیرسیاقی. انجمن آثار ملی. تهران، ۱۳۵۴
- ناصرالدین منشی کرمانی: سمط العلی للحضرة العلیا. در تاریخ قراختائیان کرمان. تصحیح و اهتمام عباس اقبال. انتشارات اساطیر. تهران، ۱۳۶۲
- ناظم الاطبا (دکتر علی اکبر نفیسی): فرهنگ نفیسی. ج ۱ - ۵. تهران، ۱۳۱۸
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر: تاریخ بخارا، ترجمه ابو احمد بن محمد بن نصرالقبای. تلخیص محمد بن زفر بن عمر. تصحیح مدرّس رضوی. انتشارات توس. تهران، ۱۳۶۳
- نظامالملک توسی، خواجه: سیرالملوک. تصحیح هیوبرت دارک. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، ۱۳۶۴
- وصّاف الحضرة، فضل الله بن عبدالله شیرازی: تاریخ وصّاف. تهران، ۱۳۳۸
- ولادیمیر تسف، ب: چنگیزخان. ترجمه دکتر شیرین بیانی. انتشارات اساطیر. تهران، ۱۳۶۳
- ولادیمیر تسف، ب: نظام اجتماعی مغول (فتودالیزم خانه بدوشی). ترجمه دکتر شیرین بیانی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران، ۱۳۴۵
- هاکس، جیمز: قاموس کتاب مقدس، بیروت.
- هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی نخجوانی: تجارب السلف. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال. کتابخانه طهوری. تهران، ۱۳۵۷
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن واضح: تاریخ یعقوبی. ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران، ۱۳۶۶
- یونکر - علوی: فرهنگ جامع فارسی - آلمانی. تهران، ۱۳۶۸

- Āliyev, Š. J.: xəzər dənizi Tarixi xəritələrdə. Baku. 1973
- The American Heritage Dictionary. Thera. 1363
- Atalay, Bâsim: Türkçemizde men-man. istanbul. 1940
- Babar - nama : By Annette S. Beveridge. London, 1971
- Babur (babar), zahirüddin Muhammad : Vekayi. Çeviren: R. R. Arat. 2c. Ankara, 1987
- Bailey, Harold, W.: Opera - minora. 2vols. Edited by M. Nawabi, Shiraz, 1981
- Bar Hebraeus: Tarih = Gregory Abu'l - Farac :
Abu'l - Farac Tarihi. 2c. ingilizceye Çeviren: E. W. Budge, Türkçeye çeviren: Ömer riza Doğrul. Ankara. 1987
- Barthold, W.: Turkestan Down to the mongol invasian. London. 1977
- Bawden: At = The Mongol chronicle Altan - Tobçi
- Blo-Bzan Bstan - 'jin: Altan tobçi. par L. Ligeti. Budapest. 1974.
- Boyle successors : The successor of Gcnghis khan
- Caferoğlu, Ahmed: Eski Uygur Türkçesi Sözlüğü. istanbul. 1968
- C. Sec. hist. = Cleaves: sec. hist. = The secret History of the mongols
- Clauson, sir Gerard: An Etimological Dictionary of pre - thirteenth century Turkish. Oxford. 1972
- : Turkish and mongolian studies. London. 1962
- Dschinis khan, Ein weltreich zu pferde. Herausgegeben von: W. Heissig. Köln. 1985
- D1 - D4 = Doerfer, Gerhard: Türkische und Mongolische elemente im neupersischen. wiesbaden. 1963-1975
- Eberhard, Dr. Wolfram: Çin tarihi. Ankara. 1987
- Ebülğazi Bahadır han: Şecere-i terakime. Hazırlayan: Dr. M. Ergin. istanbul. Tarihsiz
- Eckhardt, Sándor: Magyar - Francia szótár, kiado. 1956
- M. Ergin: Orhun Abideleri = Orhun Abideleri...
- Esin, Emet: Butan-i Halaç. Türkîyat mecmuası c.18 s.25
: Farhar - i Halluh. Türkîyat mecmuası c.18 s.79
: islamiyetten önceki türk kültür Tarihi ve islama giris,. istanbul. 1978
- Euts = A. cafer oğlu: Eski Uygur...
- Gronbech, K. and. J. Krueger: An introduction to classical (literary) mongolian. wiesbaden. 1976
- Haenisch - MTN = Manghol - un niuca Tobça-an...
- Hangin, J. G.: Basic Course in mongolian. Bloomington Indiana. 1968
- Hanser, oskar: Türk-men manual. Wien. 1977
- Heissig: Dschingis = Dschingis khan...
- Henning, W. B.: A fragment of a khwarezmian Dictionary ed. D.N. Mackenzie. London. 1971
- Hanigmann, Ernest: Bizans develtinin doğu Sınırı. çeviren: Fikret işiltan. istanbul. 1970

- iA = islam Ansiklopedisi. c1 - 13. istanbul. 1950 - 1986
 inan, Abdül kadir : Makaleler ve incelemeler. Ankara. 1987
 : Tarihte ve bugün Şamanizm. materyallar ve araştırmalar. Ankara. 1986
- Jaschke, H. A.: A Tibetan - English Dictionary. London. 1972
- K. Sec. hist. = Kahn. Sec. hist. = The Secret history of the Mongols...
- Kd = shinitnikov...
- Kaşgari, mahmud: Divanü huḡat - it türk. 4c. Çeviren: Besim Atalay. Ankara. 1985
- Kts = Kazak Türkçesi Sözlüğü Tercüme: Dr. Nuri yuce, Saadet pınar, Hasan oraltay. istanbul. 1984
- Kozohiko shiraiwa: on ötegü Bogol in the Jami' al - Tavârikh of Rashid al-din. Acta orientalia vol XLVII Copenhagen. 1986
- Less = Lessing: Mongolian - English Dictionary. Bloomington, indiana. 1982
- Ligeti - At = Blo - Bzan Bstan, jin...
- Ligeti - MNT = Mongqol - un niuca tobča - an...
- Mackenzie, D. N.: A Concise pahlavi Dictionary. London. 1971
- Manghol un Niuča Tobča, an. vor: Erich Haenisch wiesbaden. 1962
- Meydan - Larousse büyük lühgat ve Ansiklopedisi. c1 - 13. istanbul. 1969-1976
- Minorsky, V: Iranica. Tehran. 1964
- The Mongol chronicle Altan - töbci. Ed. and trans. by: Charles Bawden. Wiesbaden. 1955
- Mongqol - un niuča Tobča' an. par: Louis Ligeti. Budapest. 1971
- Muhammad Mehdi xan: Sanglax. introduction and indices by: G. Clauson. London. 1960
- Neşri Mehmed: Kitab-i cihan - numa. c1 - 2. Yayınla-yanlar: Faik Reşit unat, Dr. M. A. Köymen. Ankara. 1987
- Ögel, Dr. Bahaeddin: İslamiyetten önce Türk kültürü Tarihi. Ankara. 1988
- Orkun: Ety = Orkun, Hüseyin Namik: Eski Türk Yazıtları. Ankara. 1987
- Paasonen, H.: Čuvaš Sözlüğü. istanbul. 1950
- Poppe, Nicholas: The Mongol Monuments in Hp'ags-pa. Script. Wiesbaden. 1957
- Peoppe, nicholas: Tatar manual. The Hague. 1968
- Prawdin, Michael: The mongol Empire, its rise and legacy. London. 1961
- Qad-un ündüsünü Erdeni-yin Töbciya. Herausgegeben von: Erich Haenisch. Wiesbaden. 1968
- Rahmati Arat, R: Kutadgu bilig (indeks). istanbul. 1979
- Raverety, H. G: Notes on Afghanistan and Baluchistan second ed. Quette (pakistan). 1976
- Sagang Seçen: Erdeniyyin Tobçi. herausgegeben von: Erich Haenisch. Wiesbadebn. 1959
- Sagang seçen: Geschichte der Mongolen und ihres fürst-en hauses. Herausgegeben von: walther Heissig. Zürich. 1985
- The Secret history of the Mongols. Translated and edited by: Francis woodman cleaves. London. 1982
- The Secret history of the Mongols. translated by: Paul kahn. San francisco. 1984
- The Secret history of the Mongols and other pieces. Translated by: Arthur waley.

- London. 1963
- Shnitnikov, Boris, n.: Kazakh - English Dictionary. The Hague. 1966
- Smirnova, o.i.o: Katalog monets gorodiša panjikent. Mosko. 1963
- The successors of Genghiskhan. Translated from the persian Rashid-al-din by: Jhon Andrew Boyle. London - Newyork. 1971
- Sümer, Dr. Faruk: Oğuzlar. Ankara. 1972
- Tekin, Dr. Şinasi: Maytrisimit, uygurea metinler II. Ankara. 1976
- Temir : Gizli = Temir, Dr. Ahmet: Moğolların gizli Tarihi. Ankara. 1986
- Türkçe Sözlük. Türk dil kurumu. Ankara. 1974
- Vladimirtsov: Mogolların içtimaf Teşkilatı. Çeviren: Abdül kadir İnan. Ankara. 1987
- Webster's Biographical Dictionary. Tehran. 1364
- W. Sec. hist = The secret history of the Mongols...
- Yahn, Karl: Die geschichte der oguzen des Rašid-al-din. Wien. 1969
- Yudahin: Kırğız Sözü. = Yudahin, K. K.: Kırğız Sözlüğü. c1 - 2. Çeviren: Abdullah - Taymas. Ankara. 1988
- Zamčarano, c. ž.: The Mongol chronicles of the seventeenth Century. Wiesbaden. 1955
- Zeki Velidi Toğan, Ahmed: Kazan Hanlığında islam - Turk kültürü. islam tetkikleri Enstitüsü Dergisi, c.3 Sayı. 3-4
- Zhamtsarano, T. S.: Darqad, Köbsügöl narur - un uriyangqai dörbed, qotong bayad..., UlaŶan.Batur. 1934

شیوه آرایش متن و نسخه‌های مورد استناد

چنانکه در اشارت آغازین یاد کردم، نخستین نسخه‌ای که از جامع‌التواریخ فراهم آمد، نسخه محفوظ در کتابخانه روان کوشکو بود. وصف آن را از «فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تألیف استاد محمدتقی دانش‌پژوه می‌آوریم:

* ع ۴ - ۳۸۹۰، روان کوشکو ۱۵۱۸، نسخ شعبان ۷۱۷ در بغداد، ۳۴۳ گ، ج ۱، ص ۵۳، فهرست طوپقیو سرای).

* نسخه دیگری که به آن «اشارت» شد، و سه سالی در جستجوی آن بودیم و به رنج بسیار سرانجام عکسی از آن به دست ما رسید بدین شرح است:
عکس شماره نشده، موزه طوپقیو سرای، خزینه کتابخانه، ش ۱۶۵۴، نوشته مسکانی حافظ در ۷۱۴ و ۷۱۷، در ۳۵۰ گ (ص ۳۹۳ همین فهرست)

— همانجا. ص ۶۴ —

چون این نسخه پس از حروفچینی متن کتاب به دست ما رسید، هر چند آن را با متن کتاب سنجیدیم و پاره‌ای دشواریها را به رتوش حل کردیم، رمزی برای آن نگذاشتیم. این نسخه در استنساخ «تاریخ عالم» و دیگر بخشهای جامع‌التواریخ که بخش مبسوطی از آن آماده حروفچینی است، اساس کار ما است.

* نسخه پاریس. آشنایی من با این نسخه بر حسب معرفی علامه فقید محمد قزوینی در صفحه «کا» مقدمه مجلد سوم «جهانگشای جوینی» چاپ لیدن بوده است. آن

شادروان در توصیف و اهمیت جامع التواریخ و نسخه‌های آن، چون بدین نسخه می‌رسد می‌نویسد:

«... از جمله نسخه بغایت نفیس مصوری در کتابخانه ملّی پاریس به نشان «ضمیمه فارسی ۱۱۱۳»

— تاریخ جهانگشای جوینی. جلد سوم. مقدمه. صفحه کا —
این نسخه از آغاز و انجام افتادگی دارد. در پاره‌ای جایها، عبارتی یا نامی نانوشته مانده است. به گمان ما، این نسخه نفیس از نخستین دستنویسهای جامع التواریخ است، که قصد آن داشته‌اند پس از تحقیق جایهای نانوشته را پر کنند.
این نسخه دارای ۱۱۴ مینیاتور است که ما آن را در پایان کتاب چاپ می‌کنیم.
فراهم آوردن این نسخه را مرهون دوست دانشمند پاکدل و بزرگوار دکتر احمد طاهری عراقی ام. روانش از بخشایش ایزدی برخوردار باد. در نسخه بدلها آن را به رمز «ب» نشان دادیم.

* نسخه سلیمانیه که عکس آن نیز از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران فراهم آمد و به نوشته «فهرست میکروفیلما... مشخصات آن چنین است:
«ف ۲۹۷، (ج ۱) و ۲۹۸ (ج ۲) و ۲۹۹ (ج ۳) و ۳۰۰ (ج ۴)، سلیمانیه، داماد ابراهیم، ش ۹۱۹، نستعلیق درویش محمد طاقی در ۸۵۵»
— فهرست میکروفیلما... ص ۶۳ —

این نسخه را به رمز «ب» باز نمودیم.

* نسخه آستان قدس، هدیه گرامی استاد شادروان سید محمدتقی مدرّس رضوی. با آنکه نسخه دیرینه سال نیست ولی از ضبط و اتقان بی بهره نیست. شمار برگهای آن ۶۴۹ است و شرح آن در مجلد سوم «فهرست میکروفیلماهای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران»، ص ۲۵۳ آمده است. رمز آن «ق» است.

✱

از نسخه‌های چاپی جامع التواریخ نیز بهره جستیم:

* نخست «جامع التواریخ» چاپ ایلیانیکولایویچ برزین، خاورشناس روسی که به سالهای ۱۸۵۸ تا ۱۸۶۱ و ۱۸۶۸ تا ۱۸۸۸ بخش اقوام مغول را با حذف تاریخ جهان

معاصر نگارنده در سه مجلد با ترجمه زوسی و مقابله نسخه‌ها به چاپ رسانید، و به گفته علامه شادروان محمد قزوینی نسخه‌های آن بسیار نایاب است.

فتوکپی این نسخه را به پایمردی دوست دانشمند آقای دکتر محسن ابوالقاسمی، مدیر گروه «فرهنگ و زبانهای باستانی ایران» در دانشگاه تهران فراهم آوردیم.

نسخه بدل‌های چاپ برزین را به نشانه‌های زیر در شرح نسخه بدل‌ها یاد کردیم:

ی = E / د = D / س = C / بی = B / ع = A

* متن چاپی «جامع‌التواریخ» جزء اول از جلد اول، متن علمی و انتقادی به سعی و اهتمام آ. آ. روماسکوویچ - ل. آ. ختاقرروف، و ع. ع. علیزاده، که به سال ۱۹۶۵ اداره انتشارات دانش از سوی آکادمی علوم اتحاد شوروی، انستیتوی ملل آسیا و آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، انستیتوی خاورشناسی، منتشر شد. نسخه بدل‌های این چاپ را نیز مورد مذاقه و بررسی قرار دادیم و جز رمز «پ» که همان نسخه اساس ما، یعنی نسخه «روان کوشکو» است، و ما این حرف «پ» را برای نسخه منقح پاریس نامزد کردیم، رمزهای دیگر نسخه‌ها را به شرح زیر باز نمودیم:

ب: دستنویس تاشکند که به زعم آرایندگان این چاپ همانندی بسیار با نسخه «روان کوشکو» دارد و آن را اساس کار خود قرار داده‌اند.

ت: دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد به نام سالتیکوف شدرین. تاریخ کتابت آن نیمه ماه محرم ۸۱۰ هجری است.

ث: دستنویس موزه بریتانیا که از سال تحریر آن یاد نشده است

ج: دستنویس موزه تهران که تاریخ کتابت آن شنبه ۲۷ رمضان سال ۱۰۰۴ هجری است.

چ: دستنویس پاریس (بانواقص) بی تاریخ کتابت

ح: دستنویس شعبه لنینگراد انستیتوی خلقهای آسیا، فرهنگستان علوم اتحاد شوروی به تاریخ کتابت ۴ رجب ۹۸۴ هجری.

خ: رمزی است برای نسخه چاپی ا. ن. برزین.

گفتنی است در نقل نسخه بدل‌های این متن چاپی نهایت دقت را به کار داشته‌ایم و موارد مخدوش را فرو نهادیم.

* ما نسخه چاپی ادگار بلوشه فرانسوی که کار برزین را ادامه داد و به سال ۱۹۱۱ م بخش فرزندان چینگزخان را از اوگتای قاآن تا اولجایتو در لیدن هلند به چاپ رسانید، در زیر دست داشتیم و در صورت ثبت مواردی از نسخه بدلها از متن به رمز «بل» و از حواشی آن به نشانه «ح بل» سود جستیم. گفتنی است نظرات بلوشه درباره واژه‌های مغولی از اعتبار چندانی برخوردار نیست.

* مجلد سوم جامع التواریخ - متن علمی و انتقادی فارسی به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی زاده. نشریات فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان - باکو - ۱۹۵۷ م. این متن با ترجمه روسی همراه است. ضمن مقابله این متن با چاپ خودمان، آن را به نشانه «چا» باز نمودیم.

※

جای آن نیست که از دشواری مقابله متن جامع التواریخ سخنی به میان آید. کاری دشوار و جانکاه را در ۴۷۰ صفحه با دقتی که درخورد انسان خطاپذیر است به پایان آوردیم. صورتهای گوناگون هر واژه را، با نقطه و بی نقطه به جای خود باز نمودیم. آنان که در این راهها کوششی به کار داشته‌اند به صعوبت کار آشنایی دارند. بیان کتابت نسخه‌ها را سودمند ندانستیم، نمونه‌های آن را در عکس نسخه‌ها می‌توان یافت. در جامع التواریخ رشیدی واژگان و نامهای ترکی و مغولی بسیار به کار رفته است. صامتهای خط و زبان فارسی (جز در موارد فنی و آواشناسی و زبان شناسی) برای ضبط صامتهای آن دو زبان به قدر کافی رسا هست، اما مصوت‌های *ā*, *ū*, *ö*, ترکی و *ū*, *ö*, مغولی را بر نمی‌تاباند. در تصحیح متن جامع التواریخ کوشش بسیار رفت که شکل ظاهری ضبط‌های مؤلف از آن واژگان و نامها محفوظ داشته شود و تنها با افزودن اعراب، نقطه، سرکش به صورت اصلی در آن زبانها نزدیکتر گردد. مانند (هلاکو) که در متن هلاکو ضبط شد و اصل مغولی آن (Hülägü)، و ایل که در متن ایل ضبط شد که اصل ترکی آن (El) است. در چند مورد نادر که نام یا واژه‌ای در ضبط نسخه اساس بکلی درهم ریخته شده بود، به ناچار بر مبنای منابع مغولی و ترکی شکل ظاهری آن اصلاح و همه آن موارد در تعلیقات یاد گردید.

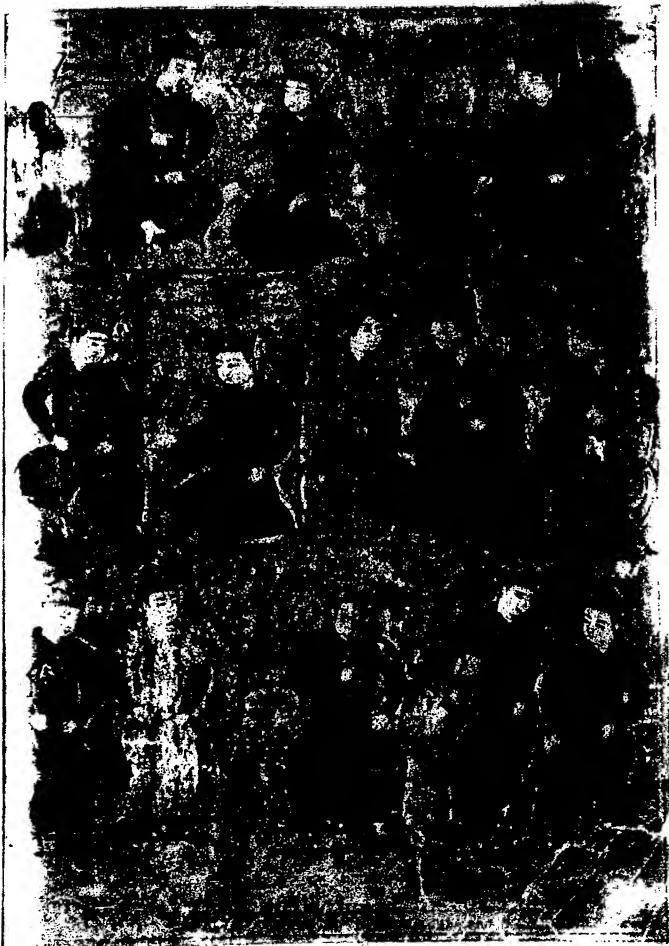
با ارائه واژه‌نامه‌ای گسترده و مبسوط و ترکیبات آن در راه غنای فرهنگ زبان فارسی گامی برداشتیم که امید می‌داریم پذیرفته خداوندان و دوستداران فرهنگ و ادب ایرانی قرار گیرد.

در راه ریشه‌شناسی بسیاری از واژه‌های ترکی و مغولی با استناد به مراجع معتبر و فرهنگهای موثق از آگاهیهای دوست ترکی‌دان و مغولی‌شناس خود سود جستیم و ایشان نیز از بذل مساعی دریغ نورزیدند. هر واژه ترکی را به حرف «ت» و واژگان مغولی را به نشان «م» مشخص داشتیم.

از خداوند بزرگ مسألت داریم ما را در راه چاپ بخشهای بازمانده جامع‌التواریخ که بخش عمده‌ای از آن آماده حروفچینی است یاری فرماید؛ و از صاحب‌نظران بزرگوار درمی‌خواهیم در باز نمودن منقصتهای کار ما باز نایستند و ما را به نقد و نظر خود سپاسگزار نمایند.

در آخرین مراحل چاپ کتاب با دریغ و درد فراوان از مرگ بی‌هنگام دوست شایسته و بزرگوار آقای جعفر شبستری مدیر آزاده حروفچینی پیشگام، که متن اثر ما از اوست، و یادگارهای بس ارزنده از خود به جای نهاده، آگاه شدیم! روانش از بخشایش ایزدی برخوردار باد.

والله ولی التوفیق







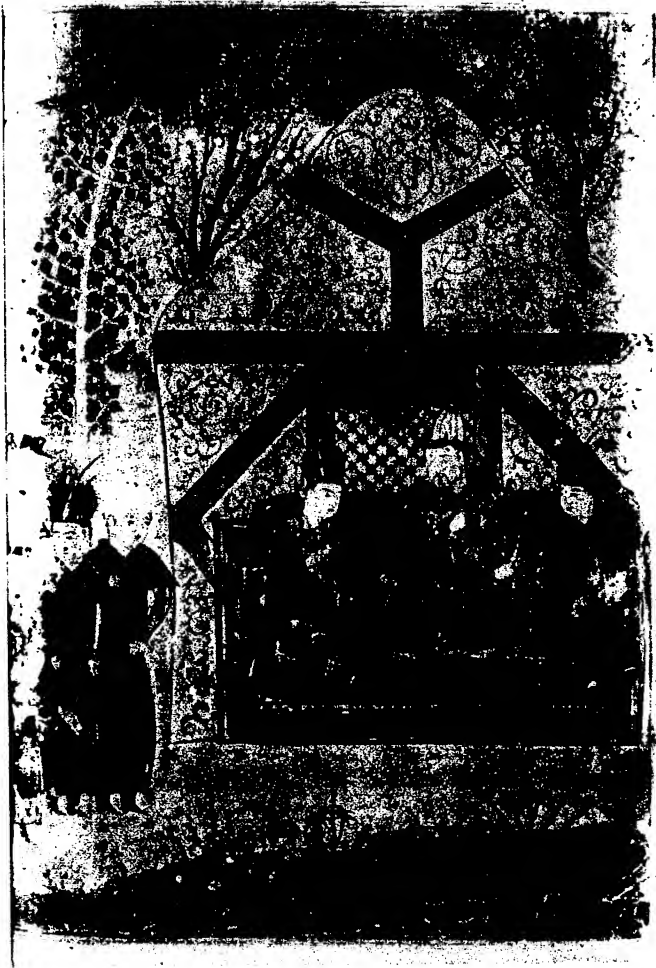
A high-contrast, black and white photograph of a group of soldiers in a trench. The soldiers are wearing helmets and dark uniforms. One soldier in the foreground is holding a rifle, and another is holding a shield. The image is heavily stylized with high contrast, making details difficult to discern.

هائیکو در عبارت شادار داشت و روزگرات اخفای کند نو کس قوت ز صفا آید و دست گناشته ام بعد از تو می بر
 جانم طمانند و صفا اخفای زار و روزگار کز دماغ ابا و اجداد بی جان است که او روی طراز و پیشگی
 واصل آواز









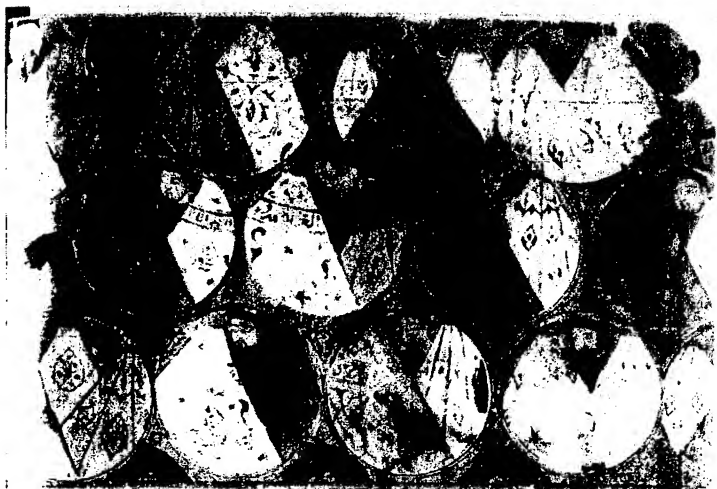


و چون که بپایان رسید و در آن وقت که از آنجا که در آنجا بود
 بفرموده امیران و صاحبان آنجا که هر یک از آنجا که در آنجا بود



و چون که بپایان رسید و در آن وقت که از آنجا که در آنجا بود
 بفرموده امیران و صاحبان آنجا که هر یک از آنجا که در آنجا بود



[illegible]



چهارم
آمدن حلاوتان بهما و بر سر دکان شیر و آن دو
بعد از نوبت سوت بندگی می‌نمایند

رقی بر دهنده پیر بر آمدند و شاهان و درخت کمر را می‌زدند و بر آواز
خاموش و زنگی خاموش می‌زدند و کار داشتند





و در روز آینه و زعفران، شکرآباده و خنجر آسان بر میان رسد و حکمی بر آید از دروند



بروزی که با مادر او آمدن امرش را و سالها از آن پیش و بعد خبر نگرفتند و اینست که در آن وقت که مادر او را دید
فرموده است که ای پسر من چه شده است که تو را می بینم و نمی شناسم؟

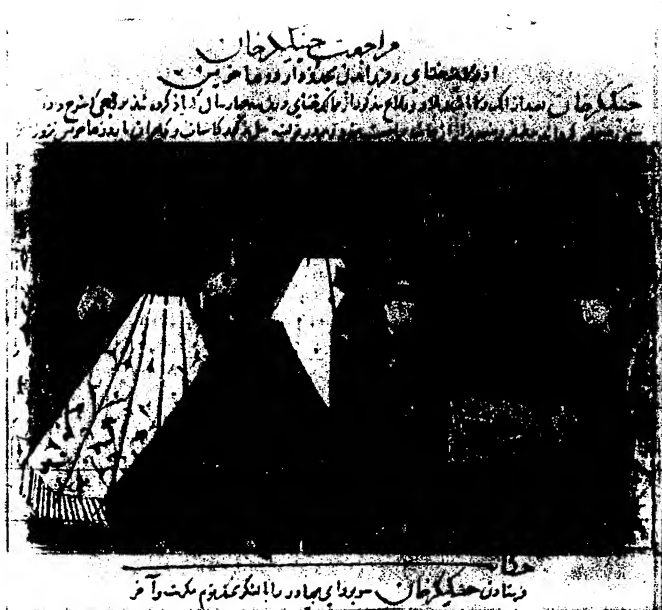
در این تصویر، پادشاه در میان دو دروازه ایستاده و با یکی از درباریان صحبت می‌کند. در کنار او، یک فرد دیگر ایستاده و به سمت او نگاه می‌کند. در پس‌زمینه، دو دروازه دیگر دیده می‌شود که در آن‌ها نیز افراد دیگری ایستاده‌اند.



در این تصویر، پادشاه در میان دو دروازه ایستاده و با یکی از درباریان صحبت می‌کند. در کنار او، یک فرد دیگر ایستاده و به سمت او نگاه می‌کند. در پس‌زمینه، دو دروازه دیگر دیده می‌شود که در آن‌ها نیز افراد دیگری ایستاده‌اند.



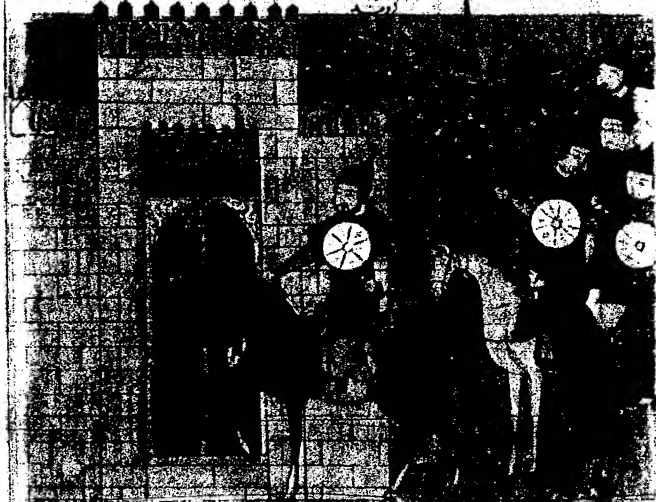
در این تصویر، پادشاه در میان دو دروازه ایستاده و با یکی از درباریان صحبت می‌کند. در کنار او، یک فرد دیگر ایستاده و به سمت او نگاه می‌کند. در پس‌زمینه، دو دروازه دیگر دیده می‌شود که در آن‌ها نیز افراد دیگری ایستاده‌اند.





باز آمدند و خدمت حیدر علی خان افراسیابان گشته تا بر شاهی گام از پایست برینجا شاست با آنکه از آنجا باز گشت و بعد از آنکه از آنجا
 حیدر علی خان افراسیابان گشت تا شام گدوان آن شهر که در فراموشی گشته و تقریبی گشته از آنجا که در حیدر علی خان گشت و در شام

حیدر علی خان افراسیابان گشت و در شام گدوان آن شهر که در فراموشی گشته و تقریبی گشته از آنجا که در حیدر علی خان گشت و در شام
 حیدر علی خان افراسیابان گشت و در شام گدوان آن شهر که در فراموشی گشته و تقریبی گشته از آنجا که در حیدر علی خان گشت و در شام



حیدر علی خان افراسیابان گشت و در شام گدوان آن شهر که در فراموشی گشته و تقریبی گشته از آنجا که در حیدر علی خان گشت و در شام
 حیدر علی خان افراسیابان گشت و در شام گدوان آن شهر که در فراموشی گشته و تقریبی گشته از آنجا که در حیدر علی خان گشت و در شام

[illegible]

مجلس شورای عالی معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - تهران - ۱۳۰۳





دوم در صورت دوزخ و نرس و طوفان و جولو و شوق و زلفان
 در سید مرتضی از برزورفت نه برین آید و عشت مثل آید و نام ایشان معلوم شد که کرامت نام از زبان و دود
 روزگار حسیل کردند با او می رود و صورت و شبیه ایشان برین نظر است که شبیه می باشد



و از رویه است

شأن در حدود و مرجعیت توکم و امر ولایت تفریق می نماید و یکدیگر را از یک اند و در یک ملک می آید این معلوم است
و بر این اقوام مردم معروف و مشهور هستند

در امور دولتی و حکومتی
این اقوام معول مانده اند و معروف است که او را معول می گویند و معول می گویند و معول می گویند و معول می گویند
هم در حدود و ولایت تفریق و هم محبوب در مقام هستند



در مورد و این مقامات در میان اقوام معروف به سید و سرور است و در این مقامات می رود



A black and white photograph of a group of people in traditional Chinese attire. A man in a dark robe and cap sits on a high, ornate chair in the center. He is surrounded by several other people, including women in long dresses and men in robes. One man is kneeling in the foreground, possibly in a gesture of respect or offering. The background is a textured wall.

[illegible]

A high-contrast, black and white photograph showing a group of people in a dark, textured environment. On the left, a person wearing a light-colored, possibly white, shirt is visible, looking towards the camera. To their right, several other individuals are mostly in silhouette, standing or sitting against a rough, rocky wall. The lighting is dramatic, creating deep shadows and bright highlights on the subjects and the wall. The overall composition is grainy and has a stark, almost graphic quality.

در این تصویر، یک صحنه از یک نمایش یا تئاتر را می‌بینیم. در مرکز، یک بازیگر در لباس تاریک و کلاه بلند، در حال اجرای حرکات نمایشی است. او در مقابل یک پرده یا دیوار با نقاشی‌های گل و گیاه ایستاده. به سمت چپ، یک تماشاگر در لباس تاریک و کلاه بلند، در حال تماشا کردن است. به سمت راست، یک تماشاگر دیگر در لباس تاریک و کلاه بلند، در حال تماشا کردن است. در پس‌زمینه، یک درخت با برگ‌های گل‌گون و یک دیوار با نقاشی‌های گل و گیاه دیده می‌شود.



در این تصویر، یک صحنه از یک نمایش یا تئاتر را می‌بینیم. در مرکز، یک بازیگر در لباس تاریک و کلاه بلند، در حال اجرای حرکات نمایشی است. او در مقابل یک پرده یا دیوار با نقاشی‌های گل و گیاه ایستاده. به سمت چپ، یک تماشاگر در لباس تاریک و کلاه بلند، در حال تماشا کردن است. به سمت راست، یک تماشاگر دیگر در لباس تاریک و کلاه بلند، در حال تماشا کردن است. در پس‌زمینه، یک درخت با برگ‌های گل‌گون و یک دیوار با نقاشی‌های گل و گیاه دیده می‌شود.



A high-contrast, black and white illustration of a chaotic battle scene. Several soldiers on horseback are engaged in combat. One soldier in the center is prominently shown with a large, round shield and a helmet. The scene is filled with dark, silhouetted figures and horses, suggesting a fierce and bloody conflict.



سینمای مستطیر گشت
و اما در این روزگار که...

چون در این روزگار که...
را که...
اسلام...
وزارت...



[illegible]





سوار بود در میان مدتی سوخت و سر و بدن در آتش کدک شد تا آنکه شادمان فرود آمد و جرات از میان روان شد تا
 خری که در میان و میان است سکار که نهی شده بود و غارتان هشت سوار بود و اشخاص و



اول کتاب در میان است و ...



امداد در آن وقت است بر داشت و بر من خود مشاهده و عمارت و اوج نمود و چون مراد شاهین و عمارت
 می کرد و در آن سرافراشته که من می دانستم و من خود او را در دست بر آید و چون مراد شاهین و عمارت

[illegible]

مهدی در پنج باره پنج عقیق بنام مسعود افتاد سهم السواد و سهم الفیض در هر باره پنج باره و در
اوشان که در پنج باره پنج عقیق بنام مسعود افتاد سهم السواد و سهم الفیض در هر باره پنج باره و در

A high-contrast, black and white photograph of a group of people in traditional Chinese attire. A man in a dark, patterned robe is seated in the center, holding a long object, possibly a staff or a musical instrument. He is surrounded by several standing individuals, including women in traditional dresses and a child. The background is dark and textured, possibly a wall or a large screen.

A black and white photograph of a theatrical performance. A central figure is seated under a dark, arched canopy, holding a long, light-colored object (possibly a scroll or a sword). Two figures stand to the left, and two figures stand to the right, all in traditional attire.

[Faint handwritten signature]

موعود از روضه استان اما خا
 در بیت مصلحه و اخلاق از به و تکریم و شکایا و سخنان ابله و فتنه و فریاد و جفا و کفر و نفاق
 اوصاف اماره از اراج و درویشی و فقر و تنگدستی و فقر از به کباب و هرگز معلوم



وہاں پہنچ کر اس کے ساتھ ایک اور شخص بھی تھا۔ وہ ایک بڑے بزرگ اور پختہ آدمی تھا۔



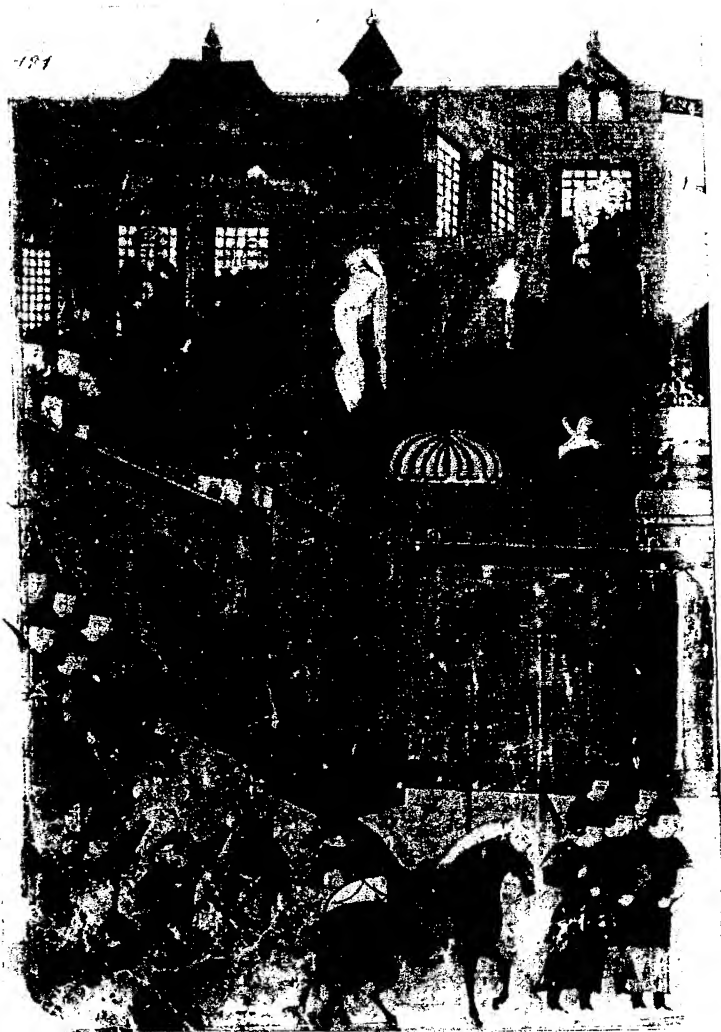
روزها امید آفریننده و خوشبختانه



سید محمد آقا در این کتاب که جوهرت است و در هر
 یک از این کتابها که جوهرت است و در هر

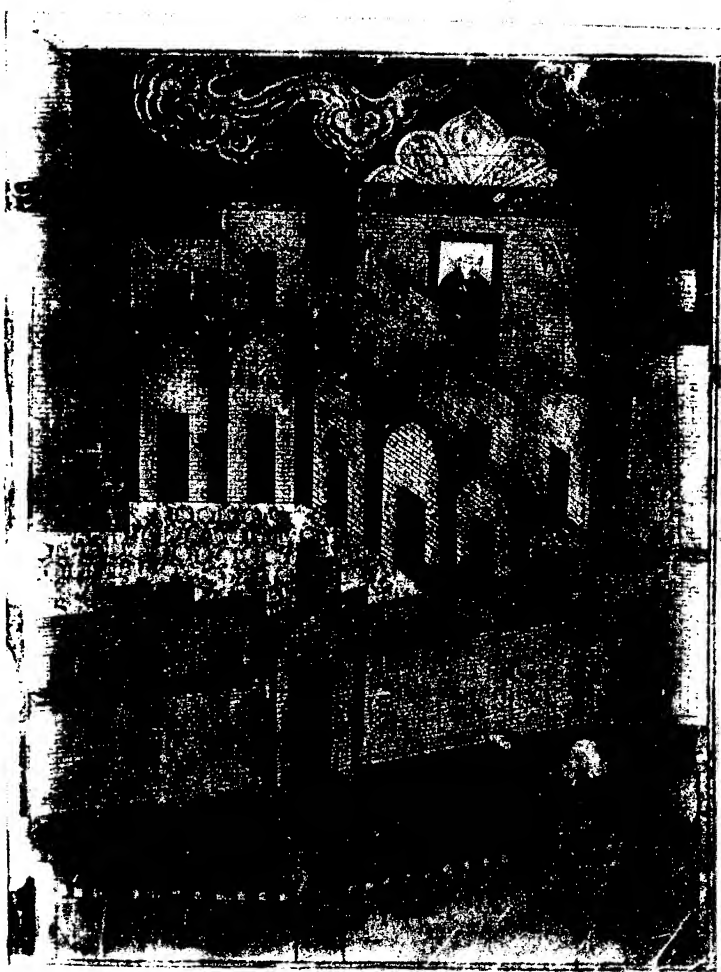


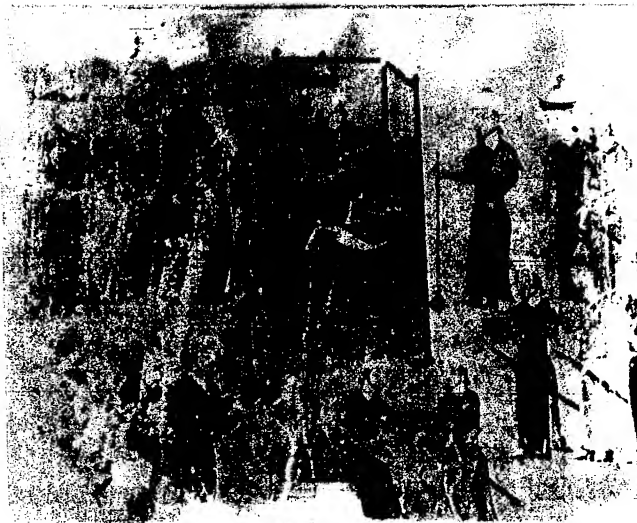
حدا
ایکای که امان خان و دیگران در این صحنه بازی می کنند
و دیگران که از طرف دیگر ایستاده اند و در این صحنه بازی می کنند













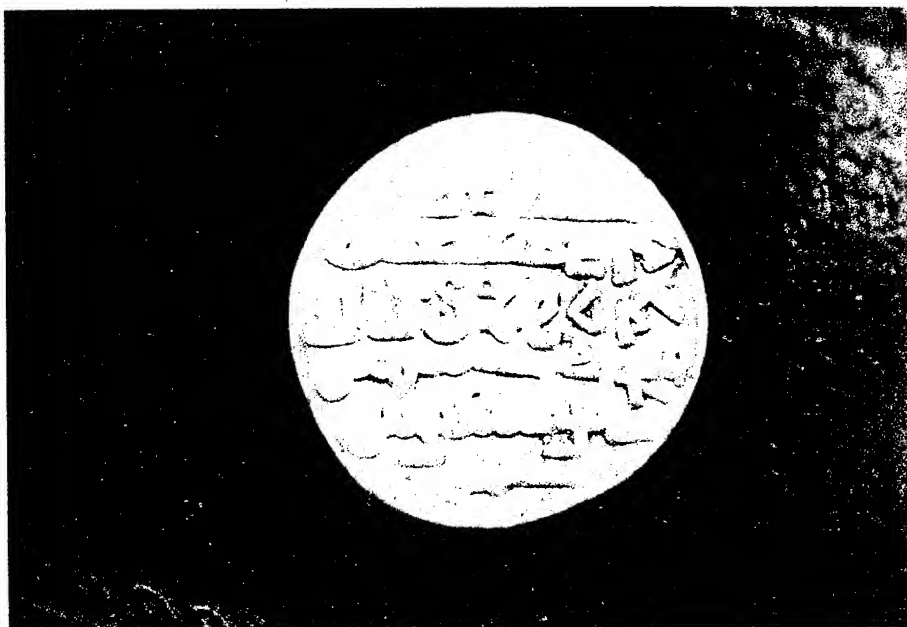


بفتح اوائی لا جمع سنه بخت

صفحه چاپی آراسته ا. بلوشه



سکه ارغون خان به خط فارسی و مغولی



سکه غازان خان به خط فارسی و مغولی



سوارکار مغول معاصر



نگاره چینگکیز از دید چینیان



سوار معاصر مغول بر جور (گونه‌ای گوزن)



خاتون قوييلاي بايغتاغ

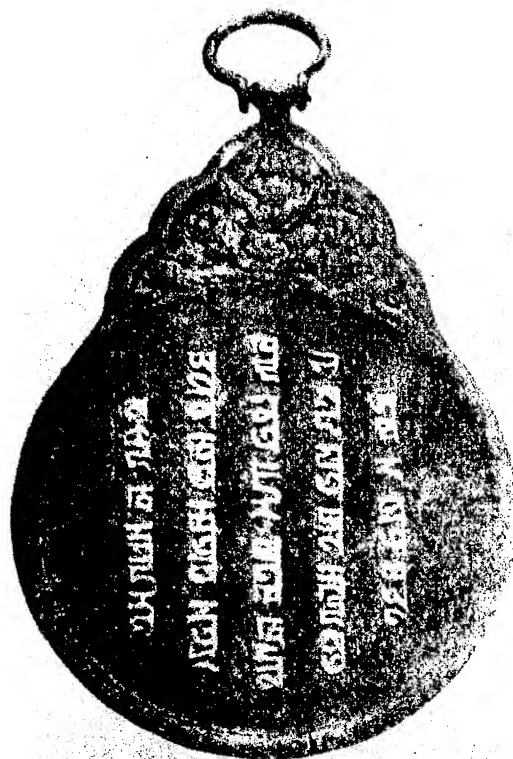
Fig. 2.



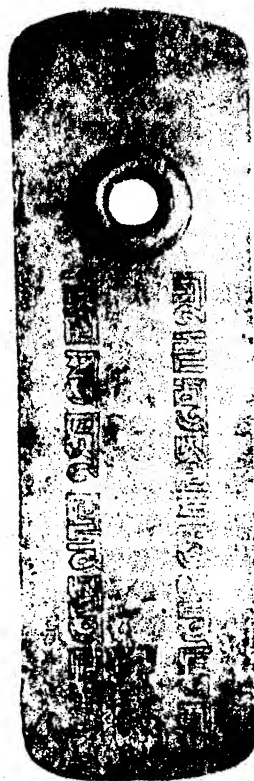
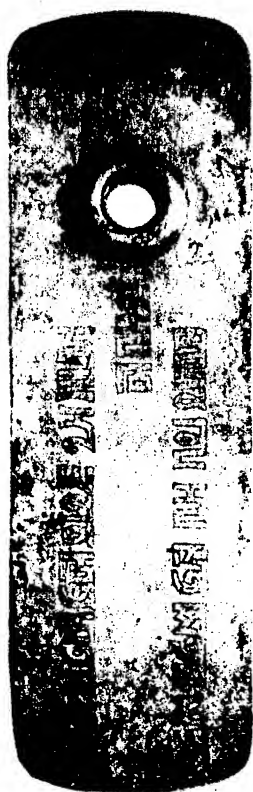
شیوه ساختن قمیز



گونه‌ای پایزه ویژه برگزیدگان
به خط و زبان فارسی و مغولی
با خط چهارگوش و اوغوری و چینی



گونه‌ای پایزه ویژه برگزیدگان به خط چهارگوش



دو گونه پایزه با خط چهارگوش

[illegible]

देवक्या भक्त

गुल्लू

22

11

7

၂

9

३

K

6

ॐ

1

2

嘎 喀 嘎 啊 加 卡 加 也 達 他
 之 之 之 之 之 之 之 之 之 之

Γα.

Ka.

Pa.

$$H\alpha.$$

Уд.с.а

Ура

Yucca

Жиза

Da

Ma

وضع طالان ديسك « جمعيت ساخته قوريشي کرده بود درين سال کوسپند خواست که بار ديگر جميع اولاد و اقارب و امرا را جمع گرداند و بنجدد ایشانرا ياسا و احکام بشنوايد تمامت بر وفق فرمان حاضر شدند و جمله را بانواع سبورغاميشي و عاطفت مخصوص گردانيد يکاء متواتر بموافقت اقارب در طلبها صبح يعوق پیوست و بر غادت مألوف که شيبه آن حضرت بود مجموع « اموالی که در خزاین جمع شده بود بآن جمع بخشيد و چون از طلوی و عشرت فارغ شدند روی بترتيب مهام ملک و لشکر آورد و چون هنوز بعضی از اطراف ممالك مستخلص نگشته بود و در بعضی ولايات طايفه عصيان می ورزیدند بدارك آن امور مشغول گشته هر يك از اقارب را بطرفي نامزد فرمود و بنفس خویش عازم که بدشت قپچاق رود مونگکا قان با آنک هنوز در عنوان جوانی بود از راه کمال عقل و رای پیرانه که داشت بر حرکت قان تذکری کرد و گفت ما جمله پسران و برادران فرمان نافذ را مترصد ايستاده ایم تا بهر چه اشارت رود جان سپاری نمایم و قان بناتنا و عشرت و چرغاميشي مشغول شود و متحمل مشاق و زحمات استار نکرد و الا فايده خویشان و امرا و لشکری شمار چه تواند بود و جمهور حاضران آن سخن کاملانرا پسندیده داشتند و آنرا مفید او دستور ساختند و رای مبارك قان بران قرار گرفت که از شاهزادگان بانو و مونگکا قان و کبوك خان با جمعی دیگر از شاهزادگان و لشکر فراوان B f. 161 r. متوجه ولايات قپچاق و اروس و بولو، و ماچار و باشغرد و آس و سوداق^{۱۱}

a A ديسك: طالان و سر: Dalan-daba, les 70 collines, dans l'Histoire des Yuen, d'Ohsson, II, p. 195, note

b A omet; à partir d'ici, lacune dans A c B omet مونگکا قان Djihan-kushai, f. 45 v.

d Djihan-kushai, ibid., باز ملك e B omet قان, rétabli d'après le

Djihan-kushai f B مذکور, ibid. g B omet و قان, ibid.

h B و از شاهزادگان Djihan-kushai, ibid., از پادشاهان

i B بولو j B آس

دیباجه

در تقریر کیهانی، احوال پدران چنگیز خان، دلاور دوانست،

ایشان که از کجا رکی^(۱) بوده است

بباید دانست که مجموع اقوام انارک^(۲) و اصفانی مشولان که شرح داده شد هرگز پادشاه قهار جبار که بر عموم اقوام حاکم باشد نداشته اند و هر قومی را پادشاهی و امیری بوده و اکثر اوقات بایکدیگر جنگ و جدال و نزاع داشته اند^(۳) و یکدیگر را غارت میکردند و مانند اعراب که در این ملک ساکنند هر قبیل را تابعه امیری متعین باشد و متابعت یکدیگر نکنند و اصل ختای چون شامل بدین قوم و ولایت و بیرونهای ایشان بوده اند و هر وقت از بعضی از این اقوام که صحراء نشین و ولایت ختای بوده اند بسیار بقتل می کردند آوردند ایشان نیز ولایت ختای را نهی و غارت می کردند و پادشاهان ختای سبب آنکه همواره از این صحراء نشینان مغول اندیشناک بوده اند احتیاط ضبط تمام کرده اند مانند سد اسکندر میان ولایت ختای و آن اقوام سدی ساختند که

دیباچه ر. هر قومی (۱) C. u. D. ۵۵ (۲) C. u. D. ۵۵ (۳) C. u. D. ۵۵

بغولی انرا ازبک^(۴) میگویند و بزرگی بوقورقه^(۵) و یک طرف آن رود خانه فرا مورانست^(۶) که رود خانه ایست بغایت بزرگ و کنار از آن ممکن نه و طرف دیگر بسر حد ولایت چورچه بدریا پیوسته است و پادشاهان ختای قوم انکفوت^(۷) لشکر و بنده مخلص خود دانسته اند در بند آنکه^(۸) بدیشار سپرده و همواره آن قوم محافظت آن نموده اند و در زمان چنگیز خان الاغوش نکین نام که مقیم ایشان بود باوی یکی شده و در بند را بدو سپرده چنانکه در شعبه اونکفوت شبه گفته شد و فیما بعد مبسوط بموضع خود گفته شود

و این اقوام مذکور را تابعه تاریخ و حکایت بسیار است لیکن بدین دیار لریده و احوال فرما^(۹) ایشان موقتاً بتغییر معلوم نگشته و هر قومی از حکایات خوش بعضی دانند و ایشان را تاریخی نبوده که از آنها اعتبار احوال قرون ماضیه و عهد سابقه کنند و کما بنیعی بکنه حقیقت باو رسد و از آن متاخران ایشان از زمانیکه حق تعالی اظهار دولت و پادشاهی

(۴) A. بوقورقه B. توقورقه A. او نکوه C. D. D. آنکوه (۵) A.

کی او بکوه A. فرامورانست C. قرابون B. فرامون او نکوه

برگی از نسخه نفیس کتابخانه ملی پاریس

والله اعلم

15

حکایت در رحمان اؤز

[illegible]

١٠٠

[illegible]

خدمت حیاتان اصف عهد مصنف این کتاب
 که موسسست بنارخ فیلوک غازان بنام سلطان سعید مغفور
 مرحوم غازان خان انا و اسیر برمانه ساخته و بنام پادشاه وقت سلطان سلاطین
 الاوض مشاوقها و مغاویها مجلدی دیگر ساخته است که موسسست بنارخ عالم و این
 مجلد است از عهد آدم تا اکنون و تاریخ و حکایات این پادشاه وقت که تا قیام
 ساعت پایتخت و مستدام با از این برای ولادت او نامنها که حار و بدخواهند بود
 دلیل این کتاب نباشند و اما چون هر کس را دست رس این نباشد که این بر
 دو مجلد ماعطیندا بنویسد ~~که~~ از او بنویسد خوف مصنف عز نه در داخل این کرد
 و اگر کسی این مجلد بنویسد و خواهد که داخل این کند بکن که بدین کتابی دلیل عفو و انعام
 بویسانند **تمام شد این کتاب مبارک در آخر ماه شعبان**
سنة سبع و سبعمائة
بمقام بغداد حاکمنا اسرار

و سکندر و در عهد او یکی که گویند که برای عاصی شده و از اجازت باب در هر جزیره مستطبله باج قبضه کرد بر سر شمال این جزیره
نیز میسر بود مدینه سال و پنج ماه از سکندر تاریخ میسر با بایست این شهر را برین بود چهار سال که تمام و سرور و روزا و از
سراج سلاطین میسر با بایست اصول از آن روز و حجه بود شش ماه که میسر با بایست و این شهر را برین از اجازت
نه سال و میسر با بایست در هر جزیره میسر بود و در غرب و در جوار هزاره میسر با بایست که در شهر بود جزیره از آن و لا
از آن بود که گفت که میسر شهرهای حوالی شام و غزوان سکندر که میسر با بایست از آن و لا که در شهر بود جزیره از آن و لا
زکسانه بود نه سال تا میسر با بایست و در عهد او جزیره صبیبه که از میسر با بایست گرفته بود آن که گفتند و بر سر یک جزیره بود
نه سال تا میسر با بایست از آن و لا که در شهر بود جزیره از آن و لا که در شهر بود جزیره از آن و لا که در شهر بود جزیره از آن و لا
سراج سلاطین میسر با بایست از آن و لا که در شهر بود جزیره از آن و لا که در شهر بود جزیره از آن و لا که در شهر بود جزیره از آن و لا
شسته است تاریخ میسر با بایست در هر جزیره مستطبله باج قبضه کرد بر سر شمال این جزیره

THE UNIVERSITY OF CHICAGO PRESS

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله
الطيبين الطاهرين

